

سلسلہ مباحث اخلاق و عرفان (۲۰)

سفر بہ کعبہ جانان

راہنمایانِ روپیہ مودہ

تقریرات

استاد علی اللہوردیہ مخانی

سرشناسه	: الهوردیخانی، علی، ۱۳۰۱ -
عنوان و نام پدیدآور	: رهنمایان ره‌پیموده / تألیف و تدوین علی الهوردیخانی.
مشخصات نشر	: تهران: توسعه دانش، ۱۳۹۵.
مشخصات ظاهری	: ۱۶۸ ص.
فروست	: سلسله مباحث اخلاق و عرفان؛ سفر به کعبه جانان [ج. ۲۰].
شابک	: ۹۷۸-۶۰۰-۹۶۹۳۵-۵-۹
وضعیت فهرست نویسی	: فیبا
یادداشت	: کتابنامه: ص. ۱۶۵.
یادداشت	: نمایه.
موضوع	: عرفان
موضوع	: Mysticism
موضوع	: آداب طریقت
موضوع	: Customs of the order*
رده بندی کنگره	: ۱۳۹۵ ۶۶۹ الف/ BP۲۸۶
رده بندی دیویی	: ۲۹۷/۸۳
شمار کتابشناسی ملی	: ۴۴۶۲۵۷۵

سفر به کعبه جانان



عنوان • سلسله مباحث اخلاق و عرفان

رهنمایان ره‌پیموده

تألیف و تدوین • علی الهوردیخانی

ناشر • توسعه دانش

نوبت چاپ • اول، ۱۳۹۵

چاپ • خانه چاپ پایدار

تیراژ • ۱۵۰۰ جلد

قیمت • ۵۰۰۰ تومان

نشانی: تهران، میدان انقلاب، خیابان انقلاب، ساختمان ۳۱۰، طبقه زیر همکف

تلفن: ۶۰-۶۶۴۱۵۴۵۹

سایت: www.elmo-danesh.ir

فهرست مطالب

۷	پیشگفتار
۹	مقدمه
۱۷	عظمت مقام عالم ربانی
۲۲	صفات و علائم عالم ربانی
۳۳	اسرار معانی عالم ربانی
۴۳	میزان در شناخت مردان الهی
۵۰	گمنامی و سرپی مردان الهی
۵۵	بالاترین میراث انبیاء
۵۸	تشابه و وحدت اولیاء با انبیاء
۶۴	عالمان علوم ظاهری و باطنی
۶۸	چشمه بی پایان الهی
۷۲	علماء و عرفاء، حکیمان الهی
۷۸	صاحبان ولایت الهیه
۸۲	اولیاء، تفسیر قرآن ناطق
۸۸	اولوالالباب، مشاعل فروزان الهی
۹۱	زیباترین و عالی ترین حرکت
۹۵	هدایت، بزرگترین مأموریت انبیاء
۱۰۰	صالحان و مصلحان اجتماع
۱۰۹	حکمت تفاوت سیره مردان الهی
۱۱۵	شایستگان سلام الهی

- ۱۲۰ بالاترین نعمت برای بشریت
- ۱۲۹ مشاهده صورت باطنی اعمال
- ۱۳۵ وقوف بر موقعیت باطنی انسان‌ها
- ۱۴۰ حضرت مولی (ع) برترین استاد واصل
- ۱۴۴ معلمان راستین
- ۱۴۹ دم روح پرور اولیاء خدا
- ۱۵۹ فهرست آیات
- ۱۵۹ فهرست احادیث
- ۱۶۵ سرانجام آخذ
- ۱۶۷ فهرست مجلدات سفر به کعبه جانان

پیشگفتار

کتاب حاضر بخشی از مجموعه تقریرات استاد فقید جناب علو اللہ ریدی خانی در طی نیم قرن گذشته است که در جلسات تربیتی خویش بیان فرموده‌اند.

این گنجینه ارزشمند از حقایق عالیہ دین مقدس اسلام، سالیان متمادی از محترس عموم به دور بوده تا این که در سالهای اخیر توسط متعلمین انسان، تنظیم و به توفیق الہی برای استفاده شیفتگان مکتب اہل بیت (ع) و طہارت (ع) به زیور طبع آراستہ شدہ بہ امید آن کہ متجمل ہشگاہ حق واقع گردد.

ضمن سپاس و قدردانی از زحمات طاقت فرمای معظم لہ، از این کہ در زمان حیاتشان اجازه تدوین و تنظیم این مجموعہ را یافتہ ایم بہ درگاہ الہی شکر گزاریم؛ و پیشاپیش از ہرگونہ سہو و خطای احتمالی بہ ہنگام یادداشت برداری یا تنظیم و بازنویسی مطالب، پوزش می طلبیم. امید است کہ خوانندگان محترم بالاخص صاحب نظران و اہل فضل با نظرات عالیہ خود ما را در چاپ ہای بعدی این آثار یاری فرمایند.

مقدمه

سیاس موفور و ستایش نامحصور بر صرف وجودی که مستور است از غایت ظهور و محجوب است از شدت نور. از نوح در دایه برتر است از درک هر عارف، و از تفرّد در صفات برتر است از وصف هر واصف. اوست مختص به وجود و قدّم و ماسبق اوست مخصوص به حدوث و عدم. اوست ابتدای هر رجوع و اوست انتهای هر موجود.

دروود بر سرور استندگان الهی مهتر عالم، خاتم انبیاء، محمد (ص) و آل طاهرینش. حبیبی که به سبب انقطاع و تسلیم محض، به منزلگه جانان رسید. به منزل «نم دنا» رسید و بر بساط «فتدلی» قدم نهاد و به «قاب قوسین» قرب بر رفته و بر بالش عزّت «او آذنی» تکیه نمود و شراب عشق نوشید و از مرست شنید و به وصال او نایل گشت.

خداوند متعال آن محبوب الهی را اول به کمالات عالیّه متأدّب نمود، سپس او را الگو و اسوه انسانها قرار داده. مردم را به اقتداء او امر کرد. این معلّم اول انسانها نه تنها معانی ظاهریه قرآن و احکام فرعی آن را به صورت سنن و قول و فعل و تقریر بیان فرمود، بلکه حکم و معارف غیبی و لطایف شهودی و براهین عقلی و آداب سیر و سلوک مردان الهی و سنن تهذیب متخلّقان خدایی را نیز بیان فرمود.

سالکین الهی باید راه معلم اول بشر را طی نمایند و مراحل را بپیمایند که این محبوب خدا پیمود. مسلماً بدون مراجعه به حق و این بزرگوار و عترت گرامی او، به مقصد نتوان رسید. چه، هرگونه حرکتی که به محبت حق و اولیاء گرامی او انجام نیابد، به هدف نرسد.

البته معلم ازلی، خدای تبارک و تعالی است و جز او کسی علم آفرین نیست «عَلَّمَ الْإِنْسَانَ مَا لَمْ يَعْلَمْ» اما در عالم امکان، معلمین متعدّدند. گرچه در بین اهل نظر چنین رایج است که معلم او، «رسطو و معلم ثانی، فارابی است، لکن اهل تحقیق بر آنند که معلم اول بشر، حضرت رسول اکرم (ص)، معلم ثانی حضرات اولیاء و معلم ثالث، حضرات اولیاء و علمای ربانی می‌باشند.

معلمین واقعی آنانی که سال‌ها در مکتب الهی تربیت یافته و به راه و رسم بزرگان در راه تعلیم و تربیت واقف گشته و مراحل معلمی را طی کرده باشند. آن‌ها، تا انسان مجذوب جاذبه الهی نگردد و کششی برای او از نگاره و تعلیم و تربیت الهی نباشد، نمی‌تواند مراحل تکامل را بپیماید و موفق به شکوفایی استعدادهای خود و سایرین گردد، بلکه چه بسا غریب دشمنان بیرونی و بالاحص درونی شده، از مقام شامخ انسانیت باقسط گردد.

وقتی خداوند متعال بخواهد فردی را به سعادت برساند، به او رشد عقلی کرامت می‌نماید تا از صحبت کسانی که در طریقه باطل هستند، اجتناب ورزیده و به اهل صلاح و تقوی راغب گردد، که پیغام دوست روح را تقویت می‌کند. دریغا که پیغام دوست همیشه می‌رسد و به همه مبذول

است، اما با غیر آشنا سازش ندارد. سخن شمع را باید به پروانه دل گفت، این حدیث تنها با سوختگان سازش می‌نماید. با پای پر آبله باید طریق حق را سیر نمود و مشقت و رنج سفر را هموار کرد. بزرگان فرموده‌اند که در طریق حق، دم نباید زد، گام باید برداشت.

محفل عالم ربانی و عارف واصل، در معنی طور نیست و از چنان محفلی، بوی جنت و بلکه رایحه عرش نمی‌می‌آید. کلام عالم حقیقی ظاهراً بیان اوست، اما در معنی کلام خالص است که به زبان او جاری می‌شود. چنین مردان الهی را علایم و نشانه‌هایی است که باید جویندگان و رهروان طریق الهی با آن نشانه‌ها آنان را بشناسند.

بر مردم، علم مخصوص بر سالکین الهی است که این شخصیت‌های والامقام را می‌یابند و از آنان استقبال نمایند، و بدانند که سرانجام تکیه بر شیخ و تفرط در ورطه هلاکت است. عنایت ازلی اقتضاء می‌نماید هیچ‌گاه خداوند تبارک و تعالی بشر را بی حجت نگذارد.

اگر صلاح در این است که حضرت مولای زمان سلام‌الله علیه ظاهراً در پرده غیبت باشد، باید در بر عیسی، نفس کامله یا نفوس کامله یا علمای ربانی باشند که بر مردم ایشان را، تعالیم و اوامر الهی را تبلیغ کنند، و این حکم الهی سلیم است.

این عالمان ربانی و عارفان حقیقی را علایمی است و آثاری «وَأَمَّا مَنْ كَانَ مِنَ الْفُقَهَاءِ صَائِنًا لِنَفْسِهِ، حَافِظًا لِدِينِهِ، مُخَالَفًا عَلَى هَوَاهُ، مُطِيعًا لِأَمْرِ مَوْلَاهُ ...». آری، منظور از پیر راه، شیخ و عارف و استاد الهی، در حقیقت فقهاء والامقام شیعه هستند که به

فرموده امام صادق (ع)، دارای شرایط چهارگانه مذکور در حدیث فوق می‌باشند. به طوری که اگر شرایط مذکور به حد کمال تحقق یابد، به مقام علمای ربانی و واصلین و مخلصین نایل آیند.

در این شناخت، معیار صدق و کذب، و محور تصدیق و تکذیب، عقل است چنان که حضرت رضا علیه السلام فرموده: «الْعَقْلُ يُعَرِّفُ بِهِ الصَّادِقُ عَلَى اللَّهِ فَيُصَدِّقُهُ وَالْكَاذِبُ عَلَى اللَّهِ فَيُكَذِّبُهُ». این مردان الهی، کسانی هستند که از تعلقات دنیوی رهایی یافته‌اند. فلوبشان معدن تقواست، چنان که حضرت رسول اکرم (ص) فرمود: «الْكُلُّ شَيْءٍ مَعْدِنٌ وَمَعْدِنُ التَّقْوَى قُلُوبُ الْعَارِفِينَ». برای هر حقیقی معنی است و معدن تقوی، دل‌های عارفان است. آری، عشقانی که گرد دام محبت پرواز می‌کنند، آنانند که به کلی خود را تسلیم نموده‌اند.

آثار الهیه حیات واقعی از سینه‌های سوزان و چشم‌های اشکریزان و دل‌های درخشان عالمان ربانی و عاشقان الهی سرچشمه می‌گیرد. اثری از آثار ان حجاب الهیه عارفان و عاشقان، کلام ایشان است. آثار و خواص باطنی کلام آنان بر کسانی روشن است که مراتب بصیرت دیدگان باطنی‌شان در حد کمال است.

بهترین کلامی که معتکفان صوامع قدس، دیباچه «کتاب مَرْقُومٌ يَشْهَدُهُ الْمُقَرَّبُونَ» موشح نمایند، و عالی‌ترین مقامی که محرمان مجامع انس، فهرست «ان کتاب التبرار لفی علیین» زینت دهند، عشق است، عشق به خدا. لذا بالاترین وظیفه علمای ربانی و اولیاء الهی نسبت به متعلمین مکتب ربوبی، تعلیم عشق است. آنانند که متعطشان وادی ضلالت را به شراب ظهور

«عَيْنًا يَشْرَبُ بِهَا الْمُقَرَّبُونَ» سرمست سازند و به جام «وَكَأْسٍ مِّنْ مَّعِينٍ» سیراب گردانند.

غذای روح، معارف است و این معارف، مقامات و درجات اوست، جنت اوست بلکه فوق آن، که بهشت آفرین را یافته است. اگر آدمی روح خود را از معارف بازدارد، در این صورت، آن ذخایر آکنده از زخارف شده، درکات اوست؛ این است حقیقت. باید بدانیم که قلم ردّ بر معرفت فکری زدن و خط بطلان بر منشورات براهین عقلی کشیدن، در واقع خط بطلان بر هستی خویش زدن است.

عالم ربانی و عارف الهی می‌کوشد تا چراغ دقایق و لحظات انسان‌ها را از مثل هماره روشن لاهوت که خویشتن استضاء کرده، بیفزاید. این آتش عشق ربوبی می‌سوزد و از مشرب قدس احمدی (س) و مکتب انیسر علوی، درس عشق و کشف و عروج می‌آموزد.

او می‌خواهد جامهٔ جان انسان‌ها را در کوثر آرامش فروشوید تا دست از سفرهٔ سیاه عالم طاعت برکشند. هر کلمه‌ای که عالم ربانی و عارف الهی بر تسکین راده رحمت گوید، و هر اشاره‌ای بر جان مشتاقان کند، گرهی از طرهٔ دست می‌گشاید. از این‌روست که با اتکاء به نفس و بدون گرایش به محضر مردان الهی، بصیرت باطنی انسان به مقام تحقق نمی‌رسد. مردان الهی کسانی هستند که به مقام شهود رسیده‌اند.

نوشته‌ها و کلام آنان، آثار و علایم و تجلی علم شهودی آنان است. علم شهودی در کاغذ و کتاب و کتیبه و پوست نمی‌گنجد؛ علمی است که در صحیفه اول است و راقم الهی در آن رقم می‌زند و نغمه «كُتِبَ فِي قُلُوبِهِمُ الْإِيمَانُ» را در لوح

دل ایشان می نگارد.

اما هر دلی را این قابلیت و شایستگی نیست. آینه دلی که زنگ زده و مکدر است، قابل انعکاس نیست و نشان نمی دهد مگر لیلی مجازی را. آن آینه ای که لیلی حقیقی را، معشوق ازلی را می نمایاند، خود حقیقی است نه خود مجازی.

این است که یکی از ارکان نکات دقیقه و رقیقه برای هر معلم و مربی الهی، پاکی نفس و صفای دل است که تا این معنی یا نور الهی در او تحقق نیابد، حصول نتایج الهیه از تعلیم و تربیت بی معنی و بی محتوا بوده و از امور محالیه به شمار می آید. اسلام عالی ترین دانشگاهی است که بنیاد آن بر طهارت نفس بنا شده است.

آری، مربی الهی علاوه بر مطالعه کتب عالیه و تلاش در تحصیل علوم و مهارت ها، باید اول از همه نفس خود را در بوتۀ ریاضت بگدازد و تصفیه کند. به واسطۀ اکسیر عشق و تقوی، مس دل خود را مبدل به طلا کند و الا سزاوار این منصب خدایی نخواهد بود.

متعلمین مکتب الهی، آن جوانمردان به حق بدانند آن که خیمه در کوی عشق زند، از دیدن جفاها و بدها دور نخواهد شد. او را به زنجیر ضجرت از در حلقه بی نیازی، جان نیازش را بیاویزند. اما آن که قدم در بساط دنیا نهاد، عاشق در آید.

علمای ربانی و واصلینی که خیر عاقبت نصیب آنان گشته، از همان مراتب عقلی و امکانات تعلیمی و تربیتی برخوردارند که یک سالک الهی بهره مند است، با این تفاوت که آنان تا پایان عمر ملبس به لباس تقوی شدند و الا تنزل و یا سقوط می کردند.

مسلماً علامتی از علایم پیروزی خصم بر انسان و به

خصوص بر رهرو الهی، این است که ظواهر به او راه یابد و سیرش در ظواهر گردد، هرچند ظواهر علم باشد. اما توصیه اکید بزرگان این است که سالکا در رفع حجب کوش نه در جمع کتب، که علم بدون عمل و تزکیه و بدون تواضع، به کار ناید و بر حجاب افزاید.

رهبران الهی، آن معلمین دلسوز و مربیان حقیقی بشر، سرّ توحید و انحراف انسان‌ها را چنین بیان می‌فرمایند که پیروی از لذات و شهوات کاذب نفسانی، موجب سرپیچی از پیروی مصاحبین بزرگان دین می‌گردد.

هر که تابع هیولای نفسانی شود، لذات و شهوات او را به هبوطی کشد، که در آن فروغ فطرت و عقل رو به خاموشی گراید و در آن مهبط غفلت و فضایل انسانی ساقط گردد و بسا که به انکار حقایق مبارک با اهل حق منتهی شود.

کسانی که در صدد انکار حقایق آمده و بدون تحقیق دربارهٔ مردان الهی قضاوت می‌کنند، مبتلا به بیماری جان‌سوز خودفریبی گشته‌اند. کجایند آن غفلت‌زدگان که اگر در ایشان درد طلب می‌بود، از بیماری کفر و ناپیایی «صُمُّ بَکُم» نمی‌فانم «لَا یَعْقِلُونَ» رهایی می‌یافتند.

اگر آدمی این حقیقت را می‌پذیرفت که جمال و کمال بی‌حد و مرز الهی در انتظار اوست، هرگز خود را در پدیده‌های فریبندهٔ کمال‌نما و زیبایی‌های زودگذر نمی‌باخت؛ و این مجنون‌های جوامع، آن من‌خداجو و بی‌نهایت‌گرا را در راه وصال لیلی دنیا نمی‌فروختند.

دروود بر آن سالکین زیبا دل که به توفیق حق، از احکام و اوامر الهی پیروی کردند، و بدین وسیله مراتب بصیرت و

مراتب نیروی ذائقه و شامه معنوی خود را به کمال رسانیدند. در تزکیه نفس کوشیدند و از جان و دل به استقبال حقایق رفته، به مضامین و مفاهیم آن عامل گشتند.

طوبی به حال عاشقان جمال که عزم سفر به دیار عشق نمودند، آنان را به حضور دوست برگماشتند. آنان را از نامحرمان جدا کردند؛ نامحرمانی که نابینا آمدند و نابینا رفتند. وه چه سفر زیبا و با عظمتی است، آن سفری که عاشقان حق با قلبی سرشار از عشق، سرمست به محفل جانان رسند، چنان سرمست که حتی از خود هم غایب گردند تا جز یاد او، یاد دیگر نکنند. رابحه بحر عشق خدا، جانیشان را عطرآگین نماید و همه را به توحید نصوح گردند. از مرارت فراق، عاشقان را نائره وصال رساند تا به شوق وصال آیند و نفحات آسمانی، آن نسیم جان پرور از مشرق جان عاشقان دل سوخته وزیدن گیرد، تا معطر شود جان و دل آنان هر سحری، تا به لطف حق در زمره اهل معرفت بشمار آیند؛ درود لایتنهای حق نثار آنان باد.

الهی، وصال ابدی خود را بر ما نصیب فرما. الهی بر ما خلوت دل عنایت فرما. الهی کسی را که خدمت دل نیست، چگونه ذکر تو گوید؟! آن که از ذکر تو بازماند، در خلوت عشق چه داند؟! عاشق دل سوخته باید تا حدیث درد عشق به تو گوید.

سلام و درود بی متها بر خمسة النجباء، آن عاشقان واصل و راهبران کامل و آل طاهرینشان باد.